

«پسر آدم، دختر حوا»؛ نقدی درون‌گفتمانی بر فمینیسم لیبرال

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۰۳/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۰۶/۰۵

حسن بشیر*

میثم قمیشیان**

چکیده

«زنانگی»، نقطه تفاوت گرایش‌های گوناگون فمینیستی است. اینکه زنانگی اصالت بیولوژیک یا ذاتی دارد یا برساخته اجتماع است، محملی برای جدال فمینیست‌ها با هم است. فمینیست‌های لیبرال، زنانگی را غیراصیل می‌شمارند و آن را برساخته‌ای اجتماعی و در خدمت نظام سرمایه‌داری می‌دانند. در عوض فمینیسم رمانتیک زنانگی را مقوله‌ای ارزشمند تلقی می‌کند و آن را نه تنها نقطه ضعفی برای زنان نمی‌شمارد که در صدد است جهان را نیز زبانه کند. نوشتار حاضر بر آن است تا گفتمان‌های دو مکتب فمینیستی (لیبرال و رمانتیک) حاکم بر فیلم «پسر آدم، دختر حوا» را استخراج نماید. نتایج این تحلیل نشان می‌دهد که فیلم در عین حال که بر بستر نشانه‌های فمینیسم لیبرال ساخته شده است، ولی به نقد رمانتیکی آن نیز می‌پردازد.

واژگان کلیدی

لیبرالیسم، فمینیسم لیبرال، فمینیسم رمانتیک، زنانگی، فیلم «پسر آدم، دختر حوا»

* دانشجوی کارشناسی ارشد معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات، دانشگاه امام صادق (ع) bashir@isu.ac.ir

** دانشجوی کارشناسی ارشد معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات، دانشگاه امام صادق (ع)
meysamqom@yahoo.com

مقدمه

فعالیت اقتصادی در دوران پیشامدرنیته در محیط یا در نزدیکی خانه و با همکاری تمامی اعضای خانواده صورت می‌پذیرفت و به همین دلیل هم زنان و هم مردان هر دو در فعالیت‌های اقتصادی خانواده شرکت می‌کردند. اما پس از رنسانس گفتمان حاکم، اصالت کار را به کار در کارخانه‌هایی می‌داد که طبیعتاً از محیط خانوادگی فاصله داشتند. به دلیل سنگین بودن بیشتر کارها در کارخانه هم، از مردان استفاده بیشتری می‌شد و بنابراین، زن‌ها کم‌کم از عرصه اقتصادی جامعه حذف شدند.

حذف زنان از عرصه‌های اقتصادی به تدریج سبب حذف آنان از مدیریت اجتماعی شد و در بازنگری زنان نسبت به این شرایط، حضور زنان در عرصه‌های خارج از خانه و فعالیت‌های اجتماعی توصیه شد.

برای این حضور، که حضوری تقابلی با مردان تلقی می‌شد، نیاز به مبانی نظری بود و این مبانی نظری هم تساوی حقوق زن و مرد و قبل از آن هم تساوی روحيات زنان و مردان بود. به همین دلیل هم زنان و مردان مشابه هم تلقی شدند (عمدتاً در اندیشه فمینیسم لیبرال) و برنامه‌ریزی‌ها تا حدودی بر این مبنا شکل گرفت. «مدرنیته، معتقد بود برای انسان شدن، زنان را تا حد امکان باید به مردان شبیه ساخت. در نتیجه زن مدرنیته، انسان است، اما با همه اوصاف مردانه». اما مرور زمان واقعیت‌های متفاوتی را نشان داد و به همین دلیل هم تا حدودی باعث سرزنش زنان از طرف دیگران و سرخوردگی خود آنان شد. «اندیشه‌های نو با نادیده‌انگاری «حقیقت زنانگی» آن‌چنان مقهور اشتراکات زن و مرد شد که زن و حقوق زنانه را فراموش کرد و بدین‌سان، با نادیده انگاشتن هویت زنانه، امنیت وی را در معرض چالش قرار داد» (عطارزاده، ۱۳۸۷، ص ۴۳).

در اثر این سرخوردگی، اندیشمندان بعدی حوزه زنان، علت این امر را در الگو قرار دادن مردان برای زنان دانستند و شبیه شدن زنان به مردان را ناممکن و غیرضروری شمردند. در میان این اندیشمندان، متفکران حوزه فمینیسم رماتیک معتقد بودند که زنانگی زنان نقطه قوتی برای آنان محسوب می‌شود، نه نقطه ضعفی. به همین دلیل هم فضای جامعه را باید از فضای مردانه به زنانه سوق داد. روحیه زنانه عامل صلح و

روحیه مردانه عامل جنگ بر سر منافع مادی است (Roskelly & Ronald, 1998) & Loades & Armstrong, 1990).

رسانه به‌عنوان محملی برای بیان ایده‌های فمینیستی، همواره شاهد گفتگوهای مربوط به مسائل زنان بوده است. فیلم‌های سینمایی و مجموعه‌های تلویزیونی از جمله محمل‌های مهم رسانه‌ای مورد استفاده برای این منظور بوده است.

۱. فیلم «پسر آدم، دختر حوا»، نقدی درون‌گفتمانی بر فمینیسم لیبرال

فیلم «پسر آدم، دختر حوا» به کارگردانی رامبد جوان، و بازی مهناز افشار، شیلا خداداد و حامد کمیلی، توسط موسسه فیلم سبحان در سال‌های ۸۷-۸۸ تولید و در اواخر سال ۱۳۸۹ روانه بازار شبکه سینمای خانگی شد. داستان فیلم ماجرای دو وکیل جوان است که هر دو به‌تازگی فارغ‌التحصیل شده‌اند و درصدد تأسیس دفتر وکالت خود هستند. حضور هر دو دفتر در یک ساختمان و رقابت بر سر جذب مشتری، از جمله موضوعات مورد مناقشه این دو است. درگیری با پرونده طلاق یک زوج و حضانت فرزند این زوج، مهم‌ترین عرصه رقابت این دو وکیل جوان است، به‌طوری‌که مینا وکیل محبوبه می‌شود و فرهود هم وکیل ناصر. فیلم با سوژه قرار دادن دعوای حقوقی میان این زن و شوهر بر سر حضانت فرزندشان، ابتدا ایده تساوی زن و مرد در حوزه عقلانیت و اعمال اجتماعی را می‌پروراند و سپس، زنان را دارای تفاوت‌های روانی با مردان نشان می‌دهد و در نهایت، هم دعوای حقوقی را نافی سلامت روانی زنان و مردان دانسته و اصالت را در مقابل پیروزی‌های منطقی یا حقوقی به «ارتباطات عاطفی» میان زوجین می‌دهد. بدین ترتیب، فیلم ضمن آنکه بسیاری از دعوای فمینیسم لیبرال را مبنی بر حضور زن در فعالیت‌های مدنی تأیید می‌کند، این فعالیت‌ها را برای سلامت و تأمین روانی آنان، ناکافی می‌داند و بدین ترتیب، نقدی درون‌گفتمانی به اندیشه فمینیسم لیبرال محسوب می‌شود.

این فیلم همچنین، ورود زن به عرصه‌های اجتماعی و سیاسی، حتی در سطوحی غیرمنتظره برای ما را عادی جلوه می‌دهد؛ مثلاً کارهایی که توسط مینا صورت می‌گیرد، تا حدودی برای ما شگفتی دارد. او اقدامات فوق‌العاده خطرناکی انجام می‌دهد (در

ارتفاعات بالای ساختمان حرکات غیرعادی انجام می‌دهد) یا همسان فرهود به مبارزه با او می‌پردازد و در ظاهر، هم چیزی کم نمی‌آورد؛ ولی در فیلم نشان داده می‌شود که حرکات مینا، ظاهری است و او هنگامی که مشکلات بر او فشار می‌آورد، گریه می‌کند؛ یا در هنگامی که شاد است، پاستیل می‌خورد. پدرش هم این کار او را بچه‌گانه تلقی می‌کند.

فیلم در گونه (ژانر) طنز سینمایی ساخته شده است. مینا و موکلش گرچه در عقلانیت چیزی از فرهود و موکل او کم ندارند، در بسیاری از موارد برای پیشبرد هدف خود در پیروزی بر مردان مقابل خود از زنانگی‌شان استفاده می‌کنند. حضور پررنگ زنان در عرصه‌ی دعاوی حقوقی و سیاسی و در عرصه‌ی اجتماعی یادآور آموزه‌های فمینیسم لیبرال است. ضمن آنکه گفتگوهایی که دعاوی حضانت میان مادر و پدر را عرصه‌ی جنگ میان دو جنس می‌داند، یا عبارت‌هایی مانند «ما زنها چقدر مظلومیم» یا «تو از تحقیر آقایون، قند تو دلت آب میشه» و غیره، فضای فیلم را به سمت تقابل میان دو جنس می‌برد.

فیلم در نهایت، به دنبال بیان این مطلب است که دعوای حقوقی - آنچنان‌که فمینیسم لیبرال - به آن می‌پردازد، ضامن سعادت و شادکامی زنان نبوده و نوع روابط خانوادگی باید از نوع روابط دوستانه و به دور از کشمکش‌های قانونی باشد.

این فیلم همچنین درصدد بیان تفاوت‌های روانی میان زن و مرد است، ولی این تفاوت‌ها را موجب شکست زنان در مبارزات اجتماعی ضد مردان نمی‌داند و تا حدودی نیز آن‌ها را به پایداری و غلبه بر احساسات خود - دست‌کم در ظاهر و در مقابل مردان - دعوت می‌کند.

۱-۱. مبانی نظری

۱-۱-۱. فمینیسم لیبرال

برای توضیح فمینیسم لیبرال به نظر می‌رسد لازم است تا ابتدا توضیحاتی درباره‌ی لیبرالیسم ارائه شود.

«لیبرالیسم» در زبان ایتالیایی از کلمه «لیبرو»^۱ به معنای «انسان آزاد» و «لیبرتاس»^۲ که ریشه در زبان لاتین دارد، به معنای آزاد گرفته شده است. «لیبرال‌ها» فرد را بر جمع مقدم می‌دانند و به همین دلیل هم دولت حداقلی پیشنهاد می‌شود؛ یعنی دولتی که کمترین دخالت را در زندگی مردم دارد (صلاحی، ۱۳۸۳، صص ۱۰-۱۱). لیبرالیسم از آغاز کوششی فکری به‌منظور تعیین حوزه خصوصی (فردی، خانوادگی، اقتصادی) در برابر اقتدار دولتی بوده است. بر طبق اصول لیبرالیسم حق دولت برای دخالت در زندگی خصوصی و مدنی باید با قیودی نیرومند و مشخص محدود گردد. از نظر لیبرال‌ها حتی مذهب هم به‌دلیل داشتن برخی اصول از پیش تعیین‌شده و غیرعقلی (و نه لزوماً ضد عقلی) در مقابل این اندیشه قرار می‌گیرد (بشیریه، ۱۳۷۸، صص ۱۱-۱۴). لیبرال‌ها دین را در عقب‌ماندگی زنان مؤثر و بلکه تعیین‌کننده می‌دانستند. در دیدگاه آنان، مذهب، با تولید کلیشه‌های جنسیتی، نقش‌های جنسیتی خاصی را برای زنان و مردان تعریف می‌کند و نهادهای مذهبی مانند کلیسا به‌شدت آن‌ها را بازتولید و از آن محافظت می‌نمایند. عمده نقد لیبرال‌ها هم بر طبیعی تلقی کردن نقش‌های جنسیتی توسط مذهب و علمای دینی است. استنتون در کتاب معروف خود، «انجیل زنان»، می‌گفت که ما نمی‌توانیم هیچ قانون یا عقیده‌ای (ولو مذهبی) را که زن را از حقوق طبیعی خود محروم کند، بپذیریم (Stanton, 1972, 1, p.127 در پاک‌نیا و مردیها، ۱۳۸۸، ص ۳۹)؛

«لیبرالیسم به جنگ بی‌امانی علیه امتیازهایی پرداخت که آن‌ها را مانعی مصنوعی در راه رشد و تکامل فردی می‌دانست، چه این امتیازها ناشی از تولد و ثروت و نژاد یا اعتقادات باشد و چه جنسیت» (شاپیرو، ۱۳۸۰، ص ۵). بدین ترتیب، مبنای حضور اندیشه لیبرالی در فمینیسم مشخص می‌گردد؛ بنابراین، می‌توان فمینیسم را ثمره عملی لیبرالیسم دانست.

فمینیسم لیبرال هم مانند مکتب لیبرالیسم تمرکز فراوانی بر مقوله عقلانیت دارد. از آنجاکه فمینیسم لیبرال، کاریست لیبرالیسم در حوزه زنان است، این گروه از فمینیست‌ها هم بر قوه عقلانی زنان بیش از دیگر قوای آنان تمرکز می‌کنند و زنان را در این ویژگی همسان با مردان قلمداد می‌کنند.

لیبرالیسم که از مصادیق روشنفکری است، اصالت را به عقل و عقلانیت می‌دهد و احساس را ثانوی یا مضر می‌داند. فمینیسم لیبرال هم با اصالت قائل شدن برای عقل و روش عقلی در فهم پدیده‌ها، این اندیشه را که زنان در قوه تحلیل عقلانی ضعیف‌تر از مردانند، بر نمی‌تابد و وجود فرضی آن را نیز امری مربوط به فرایند اجتماعی شدن می‌داند.

«هدف فمینیسم لیبرال از دیرباز احقاق حقوق برابر برای زنان بوده است؛ یعنی برخورداری زنان از حقوق شهروندی مساوی با مردان. فمینیست‌های لیبرال علیه قوانین و سنت‌هایی مبارزه کرده‌اند که حق را به مردان می‌دهند و به زنان نمی‌دهند یا با ادعای «حمایت» از زنان وضع می‌شوند... بر مبنای این تفکر، زن موجودی انسانی است و همان حقوق طبیعی و سلب‌نشده‌ی مردان را دارد. جنس زن به حقوق او ربطی ندارد؛ در قوای عقلی زنان نقصی نیست و بنابراین حق دارند از حقوق کامل انسانی برخوردار باشند.» (آبوت و والاس، ۱۳۸۰، ص ۲۸۸).

فمینیست‌های لیبرال به تفکیک نقش‌های جنسیتی اعتقادی ندارند و آن را محدود کننده وجود انسانی در به فعلیت رساندن استعدادهایش می‌دانند.

«هدفی که فمینیست‌های لیبرال / اصلاح طلب در جامعه‌شناسی دنبال کرده‌اند، اثبات این نکته بوده که تفاوت‌های قابل مشاهده میان دو جنس ذاتی نیست بلکه نتیجه جامعه‌پذیری و «همگون‌سازی جنس و نقش» است. تفاوت رفتار با دختران و پسران که کمابیش از بدو تولد آغاز می‌شود، از شکوفایی کامل ظرفیت‌های انسانی زنان جلوگیری می‌کند» (آبوت و والاس، ۱۳۸۰، ص ۲۸۸).

اگر زن و مرد برابر آفریده شده‌اند و زنان جدا از مردان یا فروتر از آنها نیستند، پس جدایی و تمایز میان سپهرهای زنانه و مردانه توجیهی ندارد و زنان باید بتوانند در همه عرصه‌هایی که حضور مردان در آنها جایز شمرده می‌شود، حضور یابند.

از نظر اندیشه فمینیسم لیبرال اگر محدودیت‌های اجتماعی از پیش پای زنان برداشته شود، آنان هم می‌توانند همانند مردان عقلانی بیندیشند و تصمیم بگیرند. توجه

به اصطلاح «همانند مردان» این تحلیل را به ذهن متبادر می‌کند که اصالت در نزد فمینیست‌های لیبرال، مردبودگی یا همان «مردانگی» است. حداکثر فمینیست لیبرال بودن، مرد شدن است. این کار که به حاشیه راندن زنانگی می‌انجامد، با مخالفت دیگر نحله‌های فمینیستی از جمله فمینیسم رمانتیک مواجه می‌شود که در ادامه این نوشتار به تفصیل به آن پرداخته خواهد شد.

۱-۲. نقش‌ها و روابط جنسیتی از منظر فمینیسم لیبرال

از ویژگی‌های قابل توجه فمینیسم لیبرال، پذیرفتن ساختارهای جامعه جدید و تنها داشتن ملاحظاتی بر آن بود. پس فمینیست‌های لیبرال مشکلی با نهاد خانواده ندارند؛ زیرا ساختارهای موجود جامعه را پذیرفته‌اند و تنها در آن معتقد به حقوق مساوی زوجین هستند (میل، ۱۳۸۵). البته خانواده فمینیسم لیبرال - مشروط بر فمینیست نبودن زوج - احتمالاً خانواده‌ای پرتنش خواهد بود؛ زیرا زنان در آن پیوسته در حال مبارزه برای دستیابی به حقوق خود هستند.

از دیگر نمونه‌های نقش‌های برابر که فمینیست‌های لیبرال بر آن تأکید می‌کنند، ورود زنان و دختران به مراکز علمی و دانشگاهی است؛ اگر چه این امر فقط خواسته فمینیست‌های لیبرال نیست، این گروه از فعالان اجتماعی، اولین گروهی بودند که داعیه‌دار دستیابی زنان به این نقش‌ها - به مثابه نقش‌هایی اجتماعی - شدند، به همین دلیل هم نقش‌های زیر، نقش‌هایی هستند که فمینیسم لیبرال توصیه می‌کند:

«به اعتقاد لیبرال فمینیست‌ها دختران باید از بخت مساوی برای آموزشی مشابه پسران برخوردار باشند. این گروه از فمینیست‌ها «موفقیت» را در پیشرفت‌های تحصیلی، کسب نتایج بهتر در امتحانات و افزایش نسبت ورود دختران به کالج‌ها و دانشگاه‌ها می‌بینند» (آبوت و والاس، ۱۳۸۰، ص ۹۳).

البته یکی از عوارض عقیده به فمینیسم لیبرال، عدم اعتقاد به لزوم حمایت خاص از زنان توسط دولت‌ها خواهد بود. بر این ادعا دو دلیل موجود است: نخست، دولت حداقلی که در اندیشه لیبرالیسم وجود دارد؛ «از نظر لیبرال‌ها انسان‌ها دارای شعور و خردند و دخالت دولت در امور آن‌ها به نوعی نابخرد تلقی کردن آن‌هاست» (بشیریه،

۱۳۷۸، ص ۱۴) و دیگر آنکه چنانچه شرایط مساوی شغلی، اجتماعی و... را به طور یکسان میان زنان و مردان جامعه تقسیم کنیم، قاعده بقای اصلح حاکم شده و در این صورت توجیهی برای حمایت خاص از زنان وجود ندارد؛ زیرا لیبرال فمینیست‌ها معتقدند در صورت وجود فرصت‌های برابر میان زنان و مردان در جامعه، زنان به دلیل عقلانیتی که در آن چیزی از مردان کم ندارند، می‌توانند وارد رقابتی برابر با مردان در احراز مسئولیت‌های اجتماعی شوند.

اندیشه‌های فمینیست‌های لیبرال به این دلیل است که تفاوت‌های جنسیتی را حاصل نحوه تربیت اجتماعی می‌داند. به همین دلیل هم کسب ویژگی‌های یک جنس توسط دیگری را نه تنها ناممکن نمی‌داند که لاقلاً در برخی از موارد توصیه هم می‌کند. از نظر فمینیست‌های لیبرال تنها زنان نیستند که قربانی تفکیک‌های جنسیتی می‌شوند؛ مردان هم به دلیل تصورات قالبی جنسیت، از پاره‌ای از فرصت‌ها محروم‌اند.

بدین ترتیب، شاهبیت اندیشه‌های فمینیسم لیبرال مبتنی بر عدم تفاوت میان سپهرهای زنانه و مردانه است. در مقابل این اندیشه هم فمینیسم رمانتیک قرار می‌گیرد که معتقد به وجود تفاوت‌های فراوان میان زنان و مردان و البته بالاتر دانستن ویژگی‌های زنانه در مقابل ویژگی‌های مردانه است.

در مقابل فمینیست‌های لیبرال و اندیشه‌های آنان، فمینیست‌های رمانتیک علم برافراشتند. این امر همزمان با اوج گرفتن انواع انتقادها به تفکر روشنگری و اصول لیبرالی صورت می‌پذیرفت.

«فمینیست‌های رمانتیک بر برتری قدرت و کارآمدی «احساسات زنانه» تأکید کردند؛ به جای متمرکز شدن بر جنبه‌های عقلانی زندگی، وجوه عاطفی آن را مورد تأمل بیشتر قرار دادند؛ و بر همین اساس به جای تأکید بر تساوی زن و مرد، تفاوت و گاه برتری زنان نسبت به مردان را مورد بررسی قرار دادند» (پاک‌نیا و مردیها، ۱۳۸۸، ص ۶۵).

فمینیست‌های رمانتیک هم به دنبال احقاق حقوق زنان بودند، ولی نه مثل لیبرال‌ها که این احقاق حق را در مساوی کردن یا مساوی جلوه دادن ویژگی‌های زنان و مردان می‌دانستند.

فمینیست‌های رمانتیک، با پذیرفتن تفاوت‌های بین دو جنس، بر والا بودن احساسات زنانه بر عقل مردانه تأکید می‌ورزیدند. از نظر این اندیشمندان ارزش‌های جهان مدرن، انسان را تک‌ساحتی کرده است. این تک‌ساحتی شدن انسان، به دلیل غلبه ارزش‌های مردانه بر ارزش‌های زنانه است. مهم‌ترین ویژگی ارزش‌های مردانه، وجود عقلانیت محاسبه‌گر در آن‌هاست. مهم‌ترین ویژگی احساسات زنانه هم نوع‌دوستی، فداکاری و از خودگذشتگی است که صلح و دوستی را برای جوامع بشری به ارمغان می‌آورد؛ عقلانیت محاسبه‌گر مردان به دلیل سودجویی و تضاد منافع افراد و دولت‌ها با یکدیگر، به جنگ و ویرانی منجر می‌شود.

از جمله نقاط فکری رمانتیسیم هم درک فطری و تأکید بر طبیعی بودن تفاوت‌های زنان و مردان است. طبیعی انگاشتن تفاوت‌های زنان و مردان در مقابل اندیشه‌های لیبرالی فمینیست‌های لیبرال بود که این تفاوت‌ها را ناشی از تربیت اجتماعی دانسته و ارتباط آن را با طبیعت نفی می‌کردند. همان‌طور که پیشتر نیز ذکر آن رفت، وجه تمایز رمانتیک‌ها با لیبرال‌ها علاوه بر طبیعی دانستن یا ندانستن تفاوت‌های زن و مرد، در ارزش‌گذاری این تفاوت‌ها نیز بود. پیش‌فرض اندیشه‌ها و اعمال لیبرال‌ها، منفی دانستن و کم‌ارزش تلقی کردن «زنانگی» نسبت به «مردانگی» بود. در مقابل هم رمانتیک‌ها، با بالاتر دانستن ارزش‌ها و احساساتی که آن‌ها را «زنانه» می‌خواندند، بر طبیعی بودن این تفاوت‌ها صحه می‌گذاشتند. بنا به تعریف هم «زنانگی»^۳ یعنی جذاب بودن، متفاوت بودن، پرخاشگر نبودن، عاطفی بودن، پرورنده بودن، نگران مردم و اهل برقراری ارتباط با آن‌ها بودن» است (Wood, 1994, p.21). باقری نیز از قول کارول گیلیگان و نل نادینگز (۱۹۸۲) اخلاق غمخواری یا مبتنی بر مسئولیت را به عنوان اخلاق ویژه زنان در برابر اخلاق مردانه عدالت‌گرا یا مبتنی بر حقوق مطرح کرده است (باقری، ۱۳۸۲، ص ۴۱). تمرکز بر همین ویژگی‌های کلی ما را به ویژگی‌های جزئی‌تری رهنمون می‌کند؛ ویژگی‌هایی چون مهربانی، لطافت در برخورد، تفسیرگرایی^۴، همدلی^۵ و... ویژگی‌هایی زنانه‌اند که حالات نرمی و انعطاف‌پذیری و دارای انحنا را به ذهن متبادر می‌کنند. همچنین ویژگی‌هایی چون جانبداری عاطفی در مقابل بی‌طرفی، توجه به جزئیات در مقابل تعمیم و وابستگی در مقابل استقلال از جمله ویژگی‌های زنانه‌اند

(باقری، ۱۳۸۲، ص ۵۶). ونزونن هم زنانگی را همراه با عطوفت، سنجیدگی، همکاری، حس جمعی، سازگاری و... و مردانگی را نیز همراه با منطق، کارآمدی، رقابت و فردگرایی عجین می‌داند که در مقابل هم قرار دارند (ونزونن، ۱۳۸۳، ص ۱۶۳).

۲. روش پژوهش

روش تحلیلی ما برای این فیلم، روش «تحلیل گفتمان» است. اگرچه تاکنون درباره گفتمان و نسبت آن با متن، سخنان فراوانی به میان آمده است، ولی درباره روش «تحلیل گفتمان» هنوز روش مورد وفاقی وجود ندارد و روش‌های گوناگونی به تحلیل‌گران گفتمان پیشنهاد می‌شود. از میان روش‌های موجود، روش فرکلاف و روش پدام^۶ به دلیل شباهت‌هایی که با همدیگر دارند، مورد اشاره قرار خواهند گرفت و نهایتاً بر اساس روش پدام، تحلیل مزبور انجام خواهد گرفت.

۲-۱. روش نورمن فرکلاف

نورمن فرکلاف در روش خود به هر دو سطح «متن» و «فرامتن» در تحلیل متون توجه می‌کند و تحلیل هر دو سطح را برای درکی صحیح از متن ضروری می‌داند: «شکل‌های اصلی تحلیل متن- تحلیل آن چه من آن را «بافتار» متن می‌خوانم، در مقابل تفسیر «محتوای» متن- بر ارزش تحلیل گفتمان، به عنوان روشی برای تحقیق در بسیاری از مسائل مطالعات فرهنگی و علوم اجتماعی، می‌افزاید. تحلیل متن متشکل از دو شکل مختلف است که مکمل یکدیگرند: تحلیل زبان‌شناختی و تحلیل بینامتنی» (فرکلاف، ۱۳۷۹، ص ۱۱۷).

تحلیل زبان‌شناختی علاوه بر تحلیل سطوح متعارف زبانی نظیر واج‌شناسی، معناشناسی لغات و معنافهمی جملات، به انسجام بین جمله‌ای و ساختاری متن نیز توجه می‌کند.

در نتیجه تحلیل زبان‌شناختی انتخاب مولد متن را از میان گزینه‌هایی که زبان در اختیار او قرار داده است، تحلیل می‌کند، حال آنکه تحلیل بینامتنی، انتخاب‌هایی را تحلیل می‌کند که از میان گفتمان‌های موجود، انتخاب شده‌اند، یا اگر گفتمان حاکم بر

یک جامعه - که در اثر سلطهٔ صاحبان قدرت، در اندیشهٔ فوکو چنان که آمد، به وجود آمده است - به صورت خودآگاه یا ناخودآگاه، بر تولید یک متن تأثیر می‌گذارد، به‌وسیلهٔ تحلیل بینامتنی مشخص می‌شود.

«تحلیل بینامتنی ما را متوجه این نکته می‌سازد که متن‌ها وابستهٔ تاریخ و جامعه‌اند، بدین معنی که تاریخ و جامعه منابعی هستند که تحلیل بینامتنی را در نظم‌های گفتمان ممکن می‌سازند» (فرکلاف، ۱۳۷۹، ص ۱۲۲).

فرکلاف برای تحلیل گفتمان به روش خود که هم تحلیل زبان‌شناختی را در برگیرد و هم شامل تحلیل بینامتنی باشد، سه مرحلهٔ توصیف، تفسیر و تبیین را پیشنهاد می‌کند:

۲-۱-۱. توصیف

مرحلهٔ توصیف در روش فرکلاف، مبین این نکته است که کلمات دارای چه بارهای ارزشی‌ای هستند (فرکلاف، ۱۳۷۹) و در مورد مطالعاتی ما بدین معنا خواهد بود که کدام کلمات، جمله‌ها و حرکاتی در فیلم، ما را به یاد ارزش‌های فمینیسم لیبرال می‌اندازد. به عبارتی تعیین گفتگوها و حرکات و بیان این که این عبارات دربردارندهٔ مفاهیم فمینیستی‌اند، مرحلهٔ توصیف را در تحلیل ما رقم می‌زنند.

۲-۱-۲. تفسیر

«تفسیرها، ترکیبی از محتویات خود متن و ذهنیت مفسر است و مقصود من از این دومی دانش زمینه‌ای است که مفسر در تفسیر متن به کار می‌بندد... از منظر مفسر، ویژگی‌های صوری متن در حقیقت به منزلهٔ سرنخ‌هایی هستند که عناصر دانش زمینه‌ای ذهن مفسر را فعال می‌سازند و تفسیر، محصول ارتباط متقابل و دیالکتیکی این سرنخ‌ها و دانش زمینه‌ای ذهن مفسر خواهد بود» (فرکلاف، ۱۳۷۹، ص ۲۱۵).

فرکلاف برای فرایند تفسیر هم چهار سطح را به تصویر می‌کشد: ظاهر کلام، معنای کلام، انسجام موضعی و ساختار و جان مایه متن (فرکلاف، ۱۳۷۹). در زیر معانی هر کدام از این سطوح در اندیشه فرکلاف تشریح می‌شود:

۱. «ظاهر کلام: این سطح آغازین تفسیر متن مبین فرآیندی است که بر آن اساس، مفسر مجموعه‌ای از آواها یا نشانه‌های موجود بر روی کاغذ را به کلمات، عبارات و جملات معین تبدیل می‌کند. برای این کار مفسر باید از آن جنبه «دانش زمینه‌ای» که غالباً به عنوان «دانش زبانی» از آن یاد شده است، استفاده کند.

۲. **معنای کلام:** دومین سطح عبارت است از: دادن معنا به اجزای تشکیل‌دهنده متن، که من از آن‌ها به عنوان «کلام» یاد کرده‌ام و در این قسمت از واژه کلام به مفهوم وسیع آن استفاده شده است. در برخی موارد کلام با جملات یا «گزاره‌های» معنا انطباق دارد. در این بخش مفسران از جنبه‌های معناشناختی دانش زمینه‌ای خود - باز نمود معانی کلمات، توانایی‌شان در ترکیب معانی کلمات و اطلاعات دستوری و دستیابی به معانی تلویحی به منظور فهم معانی کل گزاره‌ها - استفاده می‌کنند.

۳. **انسجام موضعی:** در سومین سطح تفسیر، بین گفته‌ها (کلام) ارتباط معنایی برقرار می‌شود تا در صورت امکان، تفسیری منسجم از رشته کلام به دست آید. در این جا منظور، برقراری انسجام فراگیر و کلی بین تمامی اجزاء یک متن - به طور نمونه تمامی بخش‌های یک مقاله یا تمامی اجزاء یک مکالمه تلفنی - نیست، بلکه بحث در زمینه برقراری انسجام در بخش معینی از یک متن است. بحث برقراری انسجام فراگیر در سطح بعدی مطرح خواهد شد. در سومین سطح، مفسران از دانش زبانی خود استفاده می‌کنند که متضمن چگونگی ایجاد انسجام است. اما در عین حال بحث انسجام را نمی‌توان تا سطح انسجام صوری تقلیل داد، به طوری که مفسران می‌توانند در میان گفته‌ها، حتی در صورت نبود نشانه‌های صوری، بر اساس پیش فرض‌های تلویحی - که اغلب خصلت ایدئولوژیک دارند - رابطه‌ای انسجامی برقرار کنند.

۴. **ساختار و جان مایه متن:** تفسیر ساختار متن، در چهارمین سطح، مبین چگونگی پیوند اجزا به یکدیگر و بیانگر چگونگی انسجام فراگیر متن است. این خود دربرگیرنده تطبیق متن با یکی از چارچوب‌ها یا بازنمودهای الگوهای خاص

سازماندهی مربوط به انواع گوناگون گفتمان است. مثلاً زمانی که مفسری می‌خواهد یک مکالمه تلفنی را بررسی کند، می‌داند که باید در انتظار مسائل مشخصی باشد که بنا به نظم معینی به وقوع می‌پیوندد (سلام و گفتگوهای دوستانه‌ آغازین، تعیین و موضوع مکالمه، تغییر موضوع‌ها، به پایان رساندن مکالمه و خداحافظی). «جان‌مایه» یک متن عبارت است از خلاصه تفسیر آن به عنوان یک کل واحد، که مفسر می‌تواند بدان دست یابد و در حافظه بلندمدت خود آن را نگهداری کند. بعد تجربی جان‌مایه یک متن «موضوع» کلی آن است. تفسیر علاوه بر تفسیر متن، تفسیر زمینه بافت متن را نیز شامل می‌شود» (فرکلاف، ۱۳۷۹، صص ۲۱۷-۲۱۹).

۲-۱-۳. تبیین

«درحالی‌که تفسیر، چگونگی بهره‌جستن از دانش زمینه‌ای در پردازش گفتمان را مورد توجه قرار می‌دهد، تبیین به شالوده اجتماعی و تغییرات دانش زمینه‌ای و البته بازتولید آن در جریان کنش گفتمانی می‌پردازد.

هدف از مرحله تبیین، توصیف گفتمان به عنوان بخشی از یک فرآیند اجتماعی است؛ تبیین گفتمان را به عنوان کنش اجتماعی توصیف می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه ساختارهای اجتماعی، گفتمان را تعیین می‌بخشند» (فرکلاف، ۱۳۷۹، ص ۲۴۷).
به نظر می‌رسد بین فرآیند اول تحلیل گفتمان از منظر فرکلاف، «توصیف» و سطح اول از فرآیند دوم، تفسیر، یعنی «ظاهر کلام» شباهت زیادی وجود دارد.

۲-۲. روش پدام (PDAM)

برای تحلیل گفتمان فیلم مزبور از «روش عملیاتی تحلیل گفتمان» استفاده می‌شود.^۷ اگرچه این روش شباهت‌هایی با روش فرکلاف دارد، اما به دلیل عملیاتی بودن آن، شیوه فرکلاف را به شکل ساده‌تر و اجرایی‌تر پیاده می‌کند و لذا است که در این مقاله از این روش عملیاتی استفاده خواهد شد.

روش تحلیل گفتمان (PDAM) شامل چندین سطح است که اولین سطح آن نوعی از توصیف است که تحت عنوان «برداشت از اصل متن» در جدول تحلیل گفتمان آمده است.

این سطح از تحلیل، سطحی‌ترین و ظاهری‌ترین بخش تحلیل گفتمان است و مهم‌ترین ویژگی آن در مورد تحلیلی این مقاله، تشخیص گفتگوها یا صحنه‌هایی است که دارای زمینه جنسیتی هستند. به همین دلیل نفس تشخیص این ویژگی در گفتگوها و صحنه‌ها، نوعی توصیف اولیه از فیلم است و در مرحله اول تحلیل قرار می‌گیرد.

سطح دوم تحلیل در این روش، «جهت‌گیری و گرایش متن» است و همسان با سطح دوم فرایند تفسیر در نگاه فرکلاف، یعنی «معنای کلام» است.

در ستون «جهت‌گیری و گرایش متن» جدول تحلیل گفتمان، معنایی که تحلیلگر از یک فراز فیلم به جهت داشتن مضامین فمینیستی برداشت کرده، آمده است. این ستون، دلیل انتخاب تحلیلگر را برای خواننده متن روشن می‌کند و معنای آن گفتگو یا حرکت خاص را در ادبیات فمینیسم لیبرال تبیین می‌نماید.

سطح سوم تحلیل با روش «پدام»، سطحی نیمه‌عمیق از تحلیل است که آغاز ورود به مباحثی است که در مبانی نظری این تحقیق بدان‌ها اشاره شده است و ذیل ستونی با نام «تحلیل توجیهی با توجه به سایر گرایش‌های متن» آمده و همسان با سطح سوم فرایند تفسیر فرکلاف یعنی «انسجام موضعی» است. از آنجایی که منظور فرکلاف، «برقراری انسجام فراگیر و کلی بین تمامی اجزاء یک متن نیست، بلکه بحث در زمینه برقراری انسجام در بخش معینی از یک متن است» (فرکلاف، ۱۳۷۹، ص ۲۱۸)، تحلیل در این مرحله، به سطح نهایی خود نمی‌رسد و ارتباط با دیگر سلول‌های جدول در آن مورد بررسی قرار نمی‌گیرد.

آنچه از این سطح تحلیل به دست می‌آید، تشریح بافتی^۱ است که گفتگو یا حرکت در آن صورت گرفته و فضای آن فراز فیلم را برای مخاطب به تصویر کشیده و معنایی را که توسط تحلیلگر از آن فراز در حوزه فمینیسم برداشت شده است، تبیین می‌کند.

سطح چهارم تحلیل در این روش همسان با سطح چهارم فرایند تفسیر در نگاه فرکلاف، یعنی «ساختار و جان مایه متن» است. «ساختار و جان مایه متن» در اندیشه

فرکلاف، «مبین چگونگی پیوند اجزاء به یکدیگر و بیانگر چگونگی انسجام فراگیر متن» است (فرکلاف، ۱۳۷۹، ص ۲۱۹).

در نتیجه مقایسه سلول‌های جدول با هم و استنتاج از آن‌ها در این مرحله صورت می‌گیرد. این سطح، «سطح عمیق» تحلیل گفتمان به روش پدام است. سطح بعدی تحلیل گفتمان به روش مذکور که همسان با فرایند «تبیین» در روش فرکلاف است، سطح «عمیق‌تر» تحلیل نام دارد که به بررسی گفتمان‌های اجتماعی حاکم بر فیلم برای تولید معانی آن پرداخته و به نوعی خروج از متن فیلم و تحلیل ساختارهای اجتماعی مشرف بر آن و به عبارت دیگر، تحلیل فرامتنی مرتبط با متن خواهد بود.

۳. تحلیل فیلم

۳-۱. مراحل سه‌گانه اول تحلیل

همان‌گونه که پیشتر نیز ذکر شد، سه مرحله تحلیل یعنی «برداشت از اصل متن»، «جهت‌گیری و گرایش متن» و «تحلیل توجیهی با توجه به سایر گرایش‌های متن» در جدول شماره (۱) نشان داده شده‌اند. همان‌گونه که در این جدول دیده می‌شود، ستون اول در برگزیده گفتگوها یا صحنه‌هایی از فیلم است که دارای جهت‌گیری جنسیتی است. ستون دوم معنای گفتگو یا صحنه را به لحاظ جنسیتی تبیین کرده و به نوعی توجیه چرایی انتخاب این صحنه یا گفتگو در تحلیل جنسیتی است. ستون سوم تعمیم‌دهنده یک صحنه به کل بافت اجتماعی و معادل سطح سوم تحلیل گفتمان است.

جدول شماره ۱. مراحل سه‌گانه اول تحلیل

ردیف	برداشت از اصل متن	جهت‌گیری و گرایش متن	تحلیل توجیهی با توجه به سایر گرایش‌های متن
۱	مینا برای انتقال وسائلی به داخل دفتر ابتدا خودش سعی می‌کند، سپس به دلیل سنگینی آن‌ها از فرهود کمک می‌گیرد.	قدرت جسمانی مینا برای حمل اشیاء سنگین کم است.	ضعف جسمانی زنان در مقایسه با مردان
۲	به مینا پیشنهاد می‌شود تا وکیل پرونده ناصر شده و سامان را از محبوبه جدا کند. مینا در پاسخ می‌گوید: «نمی‌تونم خودمو راضی کنم یه بچه رو از آغوش مادرش جدا کنم». فرهود هم که به صورت مخفیانه سخنان مینا را می‌شنود، می‌گوید: «درود بر اون عرق زنانه‌ات».	احساسات زنانه مینا سبب می‌شود تا مادر و فرزند را از هم جدا نکند.	نیاز کودک به مادر بیشتر از نیاز او به پدر است. زنانگی مساوی انسان دوستی است.
۳	تایر ماشین ساناز پنچر می‌شود. ساناز برای گرفتن پنچری ماشین از فرهود کمک می‌گیرد. برای فرهود این مسئله‌ای کاملاً عادی است.	گرفتن پنچری برای خانم ناراحت‌کننده است ولی برای آقایان خیر.	وجود تفاوت میان سپهرهای مردانه و زنانه
۴	هنگامی که مبارزه شکل می‌گیرد، مینا رو به دیوار اتاق فرهود می‌کند و خطاب به دیوار می‌گوید: «فرهود زندی ازت متنفرم، ازت متنفرم». در چند جای دیگر از فیلم هم مینا در پس مبارزاتش با فرهود، می‌خواهد گریه کند ولی خود را کنترل می‌کند.	مینا نمی‌تواند احساسات خود را مخفی نگه دارد بلکه آن را بیان می‌کند.	زنان، احساساتی‌تر از مردان‌اند.
۵	هنگامی که مینا به خواستگارش می‌گوید که قصد ازدواج ندارد، فرهود می‌شنود و با خود می‌گوید:	فرهود با ذهن محاسبه‌گر خود می‌فهمد اگر مینا ازدواج کند، باید به	مردان عقلی محاسبه‌گر دارند.

تحلیل توجیهی با توجه به سایر گرایش‌های متن	جهت‌گیری و گرایش متن	برداشت از اصل متن	ردیف
	همراه شوهرش به دبی برود و در نتیجه دفتر کار برای او باقی می‌ماند.	«اشتباهت همین جاس. بله رو بگو برو دبی همه رو راحت کن.»	
زنانگی حتی در صورتی که زن حضور پررنگ در اجتماع داشته باشد، از وجود زن رخت برنخواهد بست.	آرایش؛ مقوله‌ای زنانه	محبوبه که سردبیر یک هفته نامه است، حضور پررنگی در اجتماع دارد و به سان مینا در دعاوی حقوقی و سیاسی با مردان مبارزه می‌کند، هنگامی که در حال نمازخواندن است آرایش کرده است. این آرایش متفاوت با گریمی است که در طول فیلم دیده‌ایم. این در حالی است که هیچ مردی را در طول فیلم با آرایش ندیده‌ایم.	۶
آموزه‌های اجتماعی در افزایش یا کاهش عقلانیت زنان مهم‌اند. مادرانگی (به عنوان بخشی از زنانگی) معادل از خودگذشتگی و فداکاری است.	حفظ فرزند برای محبوبه (مادر) از هر چیز دیگری مهم‌تر است به گونه‌ای که مسائل حقوقی را فراموش کرده است یا به خاطر حس مادرانه حاضر است به عنوان مجرم نیز محسوب شود. مینا که درس حقوق خوانده است، ذهنش با فرایندهای قانونی شکل گرفته است. البته هنوز معلوم نیست اگر مادر بود دست به چه اقدامی	محبوبه: وقتی فهمیدم ناصر قصد خروج از کشور و اقامت در اونجا رو داره و می‌خواد سامان رو هم با خودش ببره، اونو دیگه پس ندادم، دیگه هم نذاشتم مهدکودک بره. مینا: حتماً می‌دونی که علیه‌ت اقامه دعوا کرده. محبوبه: بله می‌دونم. مینا: ما باید با تمکین در برابر قانون و توسل به اقدامات قانونی، احقاق حق کنیم. محبوبه با حالت معناداری که گویا ناشی از غریب بودن این‌گونه صحبت‌ها با اندیشه مادرانه اوست سر تکان می‌دهد.	۷

ردیف	برداشت از اصل متن	جهت گیری و گرایش متن	تحلیل توجیهی با توجه به سایر گرایش های متن
		می زد.	
۸	مینا ترتیب یک تصادف ساختگی را با ناصر می دهد تا او را از رسیدن به مهد کودک سامان بازدارد. هنگام پیاده شدن از اتومبیل، جیغ می کشد تا به خاطر زن بودنش، ناصر مراعات حال او را بکند.	استفاده مینا از احساس زنانگی اش برای تحت تأثیر قرار دادن ناصر	استفاده از زنانگی، راهبرد مبارزاتی زنان ضد مردان است.
۹	فرهود، مینا را در خیابان می بیند. برای سوار کردن به طرف او می رود. در همین حین پلیس هم می رسد و از مینا می پرسد که آیا فرهود برای او مزاحمت ایجاد کرده است یا نه. مینا هم می گوید بله. او برایم مزاحمت ایجاد کرده است. پلیس هم فرهود را دستگیر می کند. مینا هم با شیطنت می خندد.	مینا از زن بودن به عنوان ابزاری برای مبارزه با فرهود استفاده می کند.	استفاده از زنانگی، راهبرد مبارزاتی زنان ضد مردان است.
۱۰	مینا خطاب به فرهود: اصلاً منصفانه نیست. قانونی که اجازه بده به مرد به طفل پنج ساله ای رو به پشتوانه یه وثیقه چند میلیونی از مادرش جدا کنه اصلاً عادلانه نیست.	مینا مادر را در تأمین عاطفی و روانی فرزندان مؤثرتر از پدر می داند.	نیاز کودک به مادر بیشتر از نیاز او به پدر است.
۱۱	هنگامی که پدر مینا با حضور او در ساختمانی که فرهود هم حضور دارد موافقت می کند، مینا از شوق دوست دارد گریه کند.	مینا احساساتی می شود.	زنان احساسات خود را زودتر از مردان بروز می دهند.
۱۲	محبوبه در اثر فرایند طلاق به قرص اعصاب روی آورده است، ناصر هم برای تسکین روانی به تریاک روی	طلاق و جدایی برای هر دو نفر - زن و مرد - مضر بوده است.	دعاوی حقوقی نمی تواند تأمین کننده سلامت روانی افراد

ردیف	برداشت از اصل متن	جهت‌گیری و گرایش متن	تحلیل توجیهی با توجه به سایر گرایش‌های متن
	آورده است.		باشد و در کنار هم بودن برای شادی افراد بهتر است.
۱۳	مینا خطاب به فرهود: هیچ مردی کاملاً قابل اعتماد نیست، استثناء هم نداره، به جز بابای عزیز دلم.	احساسات مینا درباره پدرش بر اندیشه او اثرگذار است.	احساسات در زنان بروز بیشتر و تأثیر فراوانی بر ارتباطات آن‌ها دارد. تأثیر رفتارهای مردان بر موضع‌گیری‌های زنان در مقابل آنان و مبارزات میان دو جنس.
۱۴	مینا و محبوبه برای یافتن بلیط سفر ناصر، به صورت مخفیانه به خانه او وارد می‌شوند. برای انجام این کار لازم است تا از دیوار خانه ناصر بالا بروند و هر دو این کار را می‌کنند. محبوبه چادر بر سر دارد. البته مینا راحت‌تر از دیوار بالا می‌رود و محبوبه اندکی مشکل دارد.	تغییر الگوهای رفتاری جنسیت. این تغییر در زنان رشدیافته با اندیشه اسلامی کمتر به چشم می‌خورد.	نمودهای زنانگی و مردانگی می‌تواند در زمان‌های مختلف متفاوت باشد. تمایل اندیشه اسلامی به حفظ الگوهای جنسیت (ساخت‌گرایانه)
۱۵	پیرمردی اشتباهاً برای کمک مالی جهت تهیه داروهایش به ساختمان این دو نفر مراجعه می‌کند. فرهود و مینا گمان می‌کنند برای گرفتن وکیل آمده است، بنابراین بر سر جذب او با هم رقابت می‌کنند. پیرمرد می‌گوید: «این جور مواقع خانم‌ها بیشتر به کار آدم می‌رسند.»	پیرمرد زنان را مستعدتر از مردان برای کمک به دیگران تشخیص می‌دهد.	زنانگی معادل انسان دوستی و پرستاری از دیگران است.
۱۶	مأمور پلیس خطاب به فرهود: مرد حساسی، آخه آدم حق یه خانم رو	از نظر این مأمور پلیس، ظلم به زنان اشتباه	لزوم حمایت از زنان یا آسیب پذیرتر بودن

ردیف	برداشت از اصل متن	جهت گیری و گرایش متن	تحلیل توجیهی با توجه به سایر گرایش های متن
	می خوره؟	مضاعفی است.	آنها
۱۷	هنگامی که فرهود مینا را به ساختمان دفتر راه نمی دهد، مینا ناراحت می شود و می خواهد گریه کند.	احساسات مینا علی رغم ژست های حقوقی، کماکان حضور دارند.	احساسات و عواطف، نقش فراوانی در شخصیت زنان دارند.
۱۸	فرهود خطاب به مینا: اگه اشکتو در نیاوردم. مینا: منو و اشک؟! در سکانس بعد مینا گریه می کند ولی سعی دارد احساسات خود را کنترل کند.	احساسات مینا علی رغم ژست های حقوقی، کماکان حضور دارند.	احساسات و عواطف، نقش فراوانی در شخصیت زنان دارند.
۱۹	زنان فیلم با الفاظ محبت آمیز مانند «عزیزم» با هم سخن می گویند ولی مردان از این الفاظ استفاده نمی کنند. تنها موردی هم که یک مردی از چنین الفاظی استفاده می کند هنگامی است که پدر مینا در جواب او که می گوید «بابای عزیز دلم» می گوید «گلم». یک بار هم فرهود هنگامی که دارد وانمود می کند با یک خانم صحبت می کند، از این الفاظ استفاده می کند.	نوع برقراری ارتباط میان مردان و زنان با هم متفاوت است.	هنگامی که مردان با زنان ارتباط برقرار می کنند، باید از الفاظ نرم استفاده کنند. ارتباطات زنانه نرم تر از ارتباطات مردانه است.
۲۰	محبوبه و مینا تصمیم می گیرند برای تغییر قانون در کشور فضا سازی کنند. مینا می گوید باید با نماینده های مجلس بالاخص زنان مصاحبه کنیم. محبوبه هم می گوید باید با زنان مطلقه مصاحبه کنیم و از فرزندان طلاق گزارش تهیه کنیم.	محبوبه و مینا برای پیشبرد هدف خود از تحریک عواطف مردم و مخاطبان استفاده می کنند.	تحریک احساسات یکی از ابزارهای ارتباطی و یا مبارزاتی زنان ضد مردان است.

ردیف	برداشت از اصل متن	جهت‌گیری و گرایش متن	تحلیل توجیهی با توجه به سایر گرایش‌های متن
۲۱	هنگامی که محبوبه و مینا کارهای رسانه‌ای خود را شروع می‌کنند فرهود خطاب به ناصر می‌گوید: بین دو تا ضعیفه چه علم شنگه‌ای راه انداخته‌اند.	فرهود جنس زن را ضعیف‌تر از مرد می‌داند.	ضعیف‌تر تلقی کردن زنان به لحاظ جسمانی در اندیشه اجتماعی
۲۲	تنوری محبوبه و مینا برای کار رسانه‌ای: زنده باد مادران تنها.	محبوبه و مینا برای پیشبرد هدف خود از تحریک عواطف مردم و مخاطبان استفاده می‌کنند. مادران حق بیشتری برای تربیت فرزندان دارند.	تحریک احساسات یکی از ابزارهای ارتباطی و یا مبارزاتی زنان علیه مردان است. مادری و فرزندپروری؛ بخشی از زنانگی
۲۳	علت ناراحتی ناصر از محبوبه آن است که در اثر فعالیت حرفه‌ای، وظیفه همسری و مادری‌اش را نسبت به خانواده‌اش از یاد برده است. محبوبه هم می‌گوید ناصر نمی‌توانست موفقیت محبوبه را در کارش تحمل کند و نسبت به او حسادت می‌ورزیده است.	محبوبه و ناصر، بدفهمی و درک اشتباهی از یکدیگر دارند. تمایل محبوبه به کسب موفقیت‌های شغلی خارج از خانه مهم‌تر جلوه یافتن موفقیت شغلی در مقایسه با امور تربیتی و روانی خانواده نزد زنان امروز وجود ساختارهای سنتی (و نه لزوماً اشتباه) جنسیتی نزد مردان درباره وظایف همسرش در خانواده	تمایل زنان امروز به کسب موفقیت‌های شغلی خارج از خانه، مهم‌تر جلوه یافتن موفقیت شغلی در مقایسه با امور تربیتی و روانی خانواده نزد زنان امروز وجود ساختارهای سنتی (و نه لزوماً اشتباه) جنسیتی نزد مردان درباره وظایف زن در خانواده
۲۴	ناصر و فرهود و مینا و محبوبه، همه	مردان هم به الگوهای	با توجه به تغییراتی در

تحلیل توجیهی با توجه به سایر گرایش‌های متن	جهت‌گیری و گرایش متن	برداشت از اصل متن	ردیف
الگوهای رفتاری دو جنس، هنوز هم زنان، زنانگی می‌کنند.	زنانۀ ارتباطی روی آورده‌اند.	برای ازدواج با طرف مقابل ادا و اطوار درمی‌آورند و ناز می‌کنند. اما ظاهراً عشوه خانم‌ها بیشتر از آقایان است: محبوبه خطاب به مینا [هنگامی که ناصر رسماً از او خواستگاری کرده است و او ناز کرده است]: تقصیر خود خرّمه، زیادی عشوه او مدم!	
فمینیسم لیبرال که به دنبال دعاوی حقوقی، است، سلامت روانی خانواده‌ها و زیبایی عشق میان زن و شوهر را نمی‌فهمد و از بین می‌برد.	برای مینا و فرهود که در دعاوی حقوقی هستند مفاهیمی چون عشق بیگانه جلوه می‌کند.	مینا خطاب به محبوبه: از اون‌ی که می‌خواستیم بهتر شد. الان سامان دیگه مال توئه. الان باید خوشحال باشی. محبوبه در پاسخ به مینا: خوشحال که هستم؛ اما مشکل من سامان نیست. اگه ناصر از ایران بره من چی کار کنم. مینا متعجبانه به محبوبه نگاه می‌کند و از شدت تعجب و با تصنع لبخند می‌زند. در آن سو هم ناصر به فرهود می‌گوید: دوستش دارم فرهود. نمی‌تونم فراموشش کنم. ناصر علت خارج رفتنش را هم فراموش کردن عشق محبوبه بیان می‌کند. این حرف‌ها برای فرهود عجیب جلوه می‌کند و می‌گوید: وای!	۲۵

۲-۳. تحلیل سطح چهارم (عمیق)

مرحله عمیق تحلیل ناظر به نوعی تفسیر از سطح سوم تحلیل و تعیین رویکردهای مشابه و متفاوت در این ستون (تحلیل توجیهی) است. در این مرحله با توجه به نتایج به‌دست‌آمده، تفسیر کلی مربوط به آن‌ها تحت عناوین یا واژه‌های کلان‌تر که نوعی از رویکرد کلان را ترسیم می‌کند، انجام می‌گیرد. در اینجا به لحاظ اختصار، جدول شماره (۲) یعنی مرحله عمیق، با تعیین دال‌های مرکزی مشترک موارد مرتبط در ستون سوم (تحلیل توجیهی) مربوط به جدول شماره (۱) به شکل زیر تهیه شده است:

جدول شماره ۲. مرحله عمیق تحلیل

ردیف	دال مرکزی	موارد مرتبط تحلیل توجیهی از جدول شماره (۱)
۱	اثبات وجود تفاوت میان دو سپهر مردانه و زنانه	۱ تا ۸، ۶ تا ۸، ۱۱ تا ۱۵ تا ۱۸، ۲۰، ۲۱ و ۲۴
۲	ذاتی بودن خصلت زنانگی در زنان	۴، ۶، ۱۱، ۱۷ و ۱۸
۳	برجسته‌سازی نمودهای زنانگی	۱۱، ۱۵، ۴، ۲ و ۲۲
۴	تفاوت نوع ارتباط در زنان و مردان	۱۹، ۱۳ و ۲۲
۵	تأثیر عوامل غیر معرفتی بر معرفت (نقش احساسات در ساخت شخصیتی زنان)	۱۳، ۱۷، ۱۸، ۲۰ و ۲۲
۶	نیاز زنان به مردانگی مردان و نیاز مردان به زنانگی زنان (تأکید بر عشق در روابط زن و مرد، بیش از تأکید بر حقوق و مسائل مرتبط با آن: رویکرد فمینیسم رمانتیک)	۲۵

۳-۳. تحلیل سطح عمیق‌تر (تبیین)

در این سطح همان‌گونه که در بخش روش هم ذکر شد، با استفاده از تحلیل سطح چهارم که مقایسه سلول‌های جدول (بالاخص در سطح سوم تحلیل) بود، فضای کلی گفتمانی فیلم مورد تحلیل قرار می‌گیرد. این مرحله را می‌توان بر مبنای روش فرکلاف، «تبیین» قلمداد کرد. در این مرحله متن، بینامتنی و فرامتن، همزمان مورد توجه قرار گرفته و تحلیل نهایی ارائه می‌شود.

در سطح چهارم تحلیل به این نتیجه رسیدیم که بر خلاف نظر فمینیسم لیبرال، میان سپهرهای مردانه و زنانه تفاوت فراوان وجود دارد. البته این تفاوت بر خلاف آنچه که فمینیست‌های لیبرال معتقدند، گاه نشان‌دهنده والاتر بودن سپهر زنانه نسبت به سپهر مردانه است. این والاتر بودن هم به دلیل نزدیکی بیشتر این سپهر به احساسات و ارزش‌های انسانی و آمادگی بیشتر این سپهر برای همدلی بیشتر با انسان‌هاست.

این تفاوت سپهری طبیعتاً به تفاوت در نوع کنش ارتباطی میان زنان و مردان نیز انجامیده و نوع ارتباطات آن‌ها را متفاوت می‌کند، به گونه‌ای که «ارتباطات مردانه» عمدتاً ارتباطاتی هدفمندند و ارتباطات زنانه، گاه ارتباطاتی با هدف خود ارتباط‌اند. ارتباطات مردانه به دلیل هدفمندی، عمدتاً ارتباطاتی رسمی و از نوع منطقی‌اند و ارتباطات زنانه - به جز در موارد ضروری - غیررسمی، با اصالت دادن به خود ارتباط و دارای عنصر همدلی بیشترند.

اما در صورتی که هم سپهر اندیشگی زنان و مردان و هم نحوه ارتباط‌گیری آن دو با هم متفاوت است، بدفهمی این دو جنس از هم و از رفتارهای همدیگر، امری طبیعی و محتمل است. این بدفهمی سبب بروز احساسات منفی این دو جنس در جامعه نسبت به هم و در نتیجه سبب موضع‌گیری‌های منفی دو جنس ضد همدیگر شده است.

اگر چه تفاوت سپهری، خود می‌تواند برای جذابیت جنس مخالف برای دیگری باشد، اما این بدفهمی به جای آنکه دو جنس را به سمت ارضای «نیاز به زنانگی و مردانگی» ببرد، آن‌ها را به سمت دعوای بنیان‌برکن سیاسی و صنفی برده است. شدت این دعوای گاه به حدی است که اگر چه هر دو جنس، خود را نیازمند به دیگری می‌داند، اما پیروزی در دعوا بر دیگری را از برقراری ارتباط دوستانه با او ترجیح می‌دهد. این امر به هدر رفتن هزینه، زمان و انرژی اجتماع، و همچنین عدم ارضای روانی دو جنس می‌انجامد.

بدین ترتیب عدم فهم تفاوت‌های سپهری به مثابه امری واقعی و تلقی آن‌ها به عنوان برساخته‌های اجتماعی، سبب برنامه‌ریزی‌های اشتباه در حوزه جنسیت می‌شود.

بنابراین محورهای اساسی گفتمانی مربوط به فیلم که حاصل تحلیل عمیق‌تر (تبیین) است به شرح زیر است:

- ۱- والاتر بودن زنانگی نسبت به مردانگی در احساسات انسانی
- ۲- همدلی، نتیجه‌ی بالا رفتن زنانگی در ارتباط است.
- ۳- بدفهمی دو جنس از هم مؤید تفاوت سپهری و نیز حاصل آن است.
- ۴- دعوای سیاسی یا صنفی میان زنان و مردان، حاصل بدفهمی سپهری است.
- ۵- دعوای سیاسی و صنفی میان زنان و مردان، در نهایت از نظر روانی به ضرر آنان است.

جمع‌بندی

فیلم «پسر آدم، دختر حوا» درصدد است ضمن آنکه ورود زنان به فعالیت‌های مردانه را مجاز عنوان کند، اما این ورود را فقط امری در حوزه‌ی ظاهر یا نمودهای زنانگی و مردانگی دانسته و مرد شدن زنان را امری غیرممکن تصویر می‌کند؛ زیرا زنانگی را ذاتی وجود زن برمی‌شمارد. بدین ترتیب، فیلم در خود حاوی نقد فمینیسم لیبرال و درصدد اثبات اندیشه‌های فمینیسم رمانتیک است.

فیلم همدلی قانون با کودکان و مادران یا همدلی با احساسات زنانه را مطالبه می‌کند. پس فیلم به نوعی زنانه کردن فرهنگ، قانون و جامعه را مطالبه می‌کند. همچنین این فیلم قصد دارد تا به مخاطب خود این نکته را القاء کند که با احترام گذاردن به تفاوت‌های میان زن و مرد، این دو جنس همدیگر را درک نموده و زندگی در کنار هم را بر دعوای حقوقی ترجیح دهند. در این صورت نیازهای روانی هر دو جنس تأمین خواهد شد. بدین ترتیب فیلم، زیبایی زندگی را بر پیروزی‌های حقوقی که عمدتاً با روش‌های جدلی صورت می‌پذیرد، ترجیح داده و به نوعی درصدد است تا آرامش را به روابط میان زن و مرد در خانواده و جامعه برگرداند.

یادداشت‌ها

1. libero

2. libertas

3. femininity

۴. نحله‌ای از جامعه‌شناسی که در مقابل عوامل‌گرایی قرار دارد؛ برای اطلاعات بیشتر رک. تنهایی (۱۳۸۳).

5. empathy

6. practical discourse analysis method (PDAM) گفتمان تحلیل عملیاتی

۷. این روش توسط دکتر حسن بشیر در کتاب «خبر، تحلیل شبکه‌ای و تحلیل گفتمان» و نیز مقاله «مطالعه مقایسه‌ای رویکردهای انتخاباتی: تحلیل گفتمان سرمقاله‌های روزنامه‌های کیهان و جمهوری اسلامی، نشریه پژوهش‌های ارتباطی (۱۳۸۸) استفاده شده است.

8. context

کتابنامه

- ابوت، پاملا و والاس، کلر (۱۳۸۰)، *جامعه‌شناسی زنان*، ترجمه منیژه نجم عراقی، تهران: نشر نی.
- باقری، خسرو (۱۳۸۲)، *مبانی فلسفی فمینیسم*، تهران: انتشارات دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- بشیر، حسن (۱۳۸۸)، «مطالعه مقایسه‌ای رویکردهای انتخاباتی: تحلیل گفتمان سرمقاله‌های روزنامه‌های کیهان و جمهوری اسلامی»، *فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی*، شماره ۵۷.
- بشیر، حسن (۱۳۸۹)، «تحلیل گفتمان: دریچه‌ای برای کشف ناگفته‌ها»، در حسن بشیر و همکاران، *خبر، تحلیل شبکه‌ای و تحلیل گفتمان*، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- بشیری، حسین (۱۳۷۸)، *تاریخ اندیشه‌های سیاسی در قرن بیستم*، تهران: نشر نی.
- پاک‌نیا، محبوبه و مردیها، مرتضی (۱۳۸۸)، *سیطره جنس*، تهران: نشر نی.
- تنهایی، حسین ابوالحسن (۱۳۸۳)، *درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی*، تهران: انتشارات مرنديز.
- شاپیرو، جان سالوین (۱۳۸۰)، *لیبرالیسم: معنا و تاریخ آن*، ترجمه محمدسعید حنایی کاشانی، تهران: نشر مرکز.

- صلاحی، ملک یحیی (۱۳۸۳)، *اندیشه‌های سیاسی غرب در قرن بیستم*، چاپ دوم، تهران: نشر قومس.
- عطارزاده، مجتبی (۱۳۸۷)، «بررسی تطبیقی مفهوم جنسیت در اسلام و غرب»، *فصلنامه مطالعات راهبردی زنان* (کتاب زنان)، شماره ۴۲.
- فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹)، *تحلیل انتقادی گفتمان*، ترجمه گروه مترجمان، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- میل، جان استوارت (۱۳۸۵)، *انقیاد زنان*، ترجمه علاءالدین طباطبایی، تهران: هرمس، چاپ دوم.
- ون زونن، لیزبت (۱۳۸۳)، «رویکردهای فمینیستی به رسانه‌ها»، ترجمه حسن رئیس‌زاده لنگرودی، *رسانه*، شماره ۵۷.

- Loades, A., & Armstrong, K. (1990), *Feminist theology: a reader*, London: spck.
- Roskelly, H., & Ronald, K. (1998), *Reason to believe: romanticism, pragmatism, and the possibility of teaching*, New York: State University of New York.
- Stanton, E. C. (1972), *The Woman's Bible*, 2 vol. New York: Arno.
- Wood, J. T. (1994), *Gendered Lives, Communication, Gender, and Culture*, USA: International Thomson Publishing.